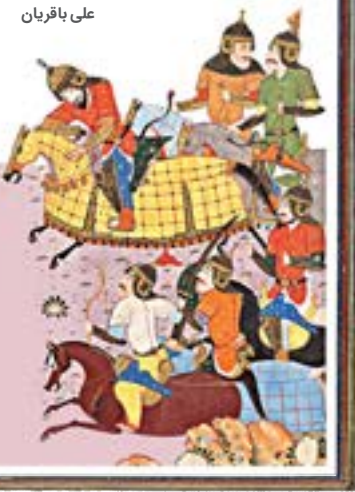




علی باقریان

جدا کردشان از میان گروه پرستنده^{۱۱} را جایگه کرد کوه صفی برکشیدند و بنشانندد همی نام نیساریان^{۱۲} خواندند

- ۱- پرستنده: عاید.
- ۲- نیساریان: سپاهیان، لشکریان.
- ۳- کجا: که.
- ۴- فروزنده: مایهٔ آبرو و پیشرفت.
- ۵- بُسودی: دهقان، کشاورز.
- ۶- سه دیگر: سومین.
- ۷- گُره: مخفف «گروه».
- ۸- سیاس: مَنت.



کجا^{۱۳} شیر مردان جنگاورند فروزنده^{۱۴} لشکر و کشورند کز ایشان بُود تختِ شاهی به پای وز ایشان بُود نامِ مودی به جای

بُسودی^{۱۵} سه دیگر^{۱۶} گُره^{۱۷} را شناس کجانیست از کس بر ایشان سیاس^{۱۸}



گفت وگو با دوتن از اعضای خراسانی هیئت علمی جشنواره شعر فجر درباره انتقادهایی که به این رویداد شده است

همه انتقاده‌ها اشتباه نیست

محبوبه عظیم زاده

جشنواره شعر فجر به دوره نوزدهم خودرسیده است و حالا به نظر منطقی و شایسته است که این سؤال مطرح شود که دستاورد تکرار یک رویداد در نوزده سال و اختصاص کلی زمان و بودجه به آن چه بوده است؟ آنچه این جشنواره رسالت خود می داند و در اغلب دوره ها مکرر و مؤکد تکرار می کند. این است که ملی باشد و همه طوایف و سلیاق را در خود جای دهد.



- می‌توانید به ما از روند داوری آثار دریافتی در جشنواره شعر فجر بگویید؟

مظفری: بعد از اینکه داوران در بخش های مختلف انتخاب شدند، طبق آیین نامه داوری که از قبل موجود است و ممکن است امسال با تغییراتی همراه باشد، داوران داوری خود دربین آثار موجود را آغاز می کنند. این آیین نامه به همراه کتاب های چاپ شده برای داوران فرستاده می شود تا آن ها براساس ضوابط ازپیش تعیین شده داوری کنند.

عیدگاه: « مستولان « خانه کتاب و ادبیات » همه کتاب های منتشرشده در سال قبل را که به دبیرخانه فرستاده شده جمع آوری می کنند و در بخش های مختلف جشنواره مثل «شعر کلاسیک»، «شعر آزاد» و «پژوهش شعر» منظم می کنند. بعد از اینکه اعضای هیئت علمی جشنواره داورها را انتخاب کردند، داورهای هر بخش کتاب های مربوط به بخش خودشان را بررسی می کنند.

در جلسه نخست، معمولاً انتخاب بسیار آسان است و کتاب هایی که کیفیت فرهنگی و علمی و ادبی بالایی ندارند به راحتی غربال می شوند. کتاب هایی که در سطح بالاتری هستند می مانند برای بررسی های بعدی. در جلسات بعدی، چند کتاب برتر به عنوان نامزد های جایزه جشنواره انتخاب می شوند و دررنهایت، با امتیازدهی داوران و دبیر جشنواره و نماینده هیئت علمی کتاب برگزیده و شایسته تقدیر مشخص می شود.

- برخی معتقدند آثار همه جریان ها بررسی نمی شود. این طور است؟ یکی از انتقادهایی که در همه سال های گذشته به جشنواره وارد شده همین است، اینکه جشنواره متعلق به طیف خاصی است، در صورتی که شعار جشنواره شعر فجر همیشه ملی و مردمی بودن آن است. حمیدرضا شکارسری، سال ۹۱، در مصاحبه اش با خبرگزاری «ایسنا»، از این گفت که جشنواره شعر فجر تبدیل شده است به

جشنواره شعر انقلاب. همان سال، دوتن از شاعران دیگر، حسین جنتی و محمدرضا طاهری، از این گفتند که اشعارشان به صورت غیرقانونی و بی ضابطه کنار گذاشته شده است، گفتند با یکی از داوران جشنواره تماس گرفته اند و با این پاسخ روبه رو شده اند که «شعرهایتان در بین آثار داوری شده نبود.»

مظفری: این مسائل، مسائل نسبتاً پیچیده ای است. در هر ژانری که شما نگاه بکنید، تعدادی از آدم ها با تفکرات و گرایش های مختلف معمولاً با سیاست دولت ها در دوره های مختلف زاویه دید دارند. من خیلی تأیید نمی کنم که این چیزها وجود ندارد. نباید جشنواره ای مثل جشنواره فجر که یک جشنواره ملی است خیلی دولتی باشد یا خیلی مربوط به انقلاب اسلامی. این چیز درستی است درمجموع. اگر این سیاست نبوده، باید اجرا شود. علی رغم همه این

کارها و فعالیت ها، معمولاً، وقتی نگاه بکنیم، در هر دوره و هر دولتی، به هر حال، هرکدام از شاعران ممکن است با آن نهاد زاویه داشته باشند، یا با دولت وقت از لحاظ جناحی زاویه داشته باشند گاهی این اشکالات پیش می آید، و طبیعی است، اما، درمجموع، جشنواره باید به سمت ملی شدن و فرا جناحی شدن و حتی فرا کشوری شدن پیش برود. امروز بدنه اصلی و خانه اصلی زبان فارسی در ایران است. در کشورهای دیگر فارسی زبان، زبان فارسی چنین موقعیتی ندارد. این فرا کشوری شدن جشنواره شعر فجر باید مورد توجه باشد و از آن تنگنا و مضایقی که بوده کم کم بیاید بیرون. اما، طوری که من در جریان بودم، در این دوره، تنها به فرستادن کتاب ها از طرف شاعران اکتفا نشد، خود مسئولان با همه ناشرانی که کتاب چاپ کرده اند ارتباط گرفتند تا همه آثار و همه کتاب ها در جشنواره حضور داشته باشند. امیدوارم با این ترند کسی یا ناشری که در ایران کتاب چاپ کرده از این دایره بیرون نماند.

عیدگاه: این سؤال را باید مسئولان برگزارای این جشنواره در دوره های مختلف پاسخ بدهند. کارنامه آن ها مقابل چشم صاحب نظران است و آن ها می توانند پاسخگوی اعتراض ها باشند، اگر پاسخی ندهند، معلوم می شود که استدلالی ندارند و حق با معترضان است. من در این باره اطلاعی ندارم و تنها می توانم نظر شخصی ام را بگویم و آن اینکه هر جشنواره ای که بخواهد نگاهی سویه دار داشته باشد، بیش از اینکه به سلیقه های حذف شده آسیب بزند، خود به خود به خودش آسیب می زند، چرا که بلافاصله این کار تأثیرش را بر مخاطبان می گذارد و از اعتبار آن نزد صاحب نظران کم می شود. نه فقط جشنواره شعر فجر، این به نفع هر جشنواره ای است که نگاه خود را وسیع کند و وجود سلیقه های گوناگون را بپذیرد. با چنین روش و منشی، اعتبار جشنواره بیشتر می شود و رفته رفته

مخاطبان آن را جشنواره خود می دانند. یاد مان باشد، اگرچه همه انتقادها ممکن است درست نباشد، همه انتقادها هم از سر اشتباه یا توهم مطرح نمی شود، پس باید به همه نظرات مثبت و منفی توجه کرد.

- درباره جنبه عمومی جشنواره شعر فجر چه می‌توانیم بگوییم؟ آیا این جشنواره قرار است پلی باشد بین مردم و شعر؟ چنین رسالتی دارد؟، اگر پاسخ مثبت است، آیا رسالت خود را به خوبی انجام داده است؟ ما می بینیم که جشنواره فیلم یا موسیقی فجر، دست کم در زمان برگزاری، شعفی موقت را بین مردم ایجاد می کند و مردم پیگیرش هستند، در صورتی که جشنواره شعر فجر مهجور است. آیا باید از جشنواره شعر هم چنین انتظاری داشت، یا غیرمعمول است؟

مظفری: اتفاقاً، یکی از گفت وگوهایی که در شورای



سیدابوطالب مظفری: **مسئولان امر باید توجه کنند که در سال چه مقدار سرمایه گذاری های خصوصی و دولتی روی سینما صورت می گیرد، آن وقت دستاورد سینما درمجموع چقدر است؟ این برآورد وقتی انجام شود، درمقایسه با ادبیات، به این نتیجه می رسد که ما در ادبیات شاید دستاوردهای بهتری داشته باشیم از لحاظ تبلیغی و ارزشی**

علمی جشنواره صورت گرفت همین بود که جایگاه شعر و به صورت کلی ادبیات، باید تغییر کند، باید با توجه مسئولان از این مهجوریت دربیاید. این حرف را من قبول دارم، اما ما نباید انتظار داشته باشیم که یک هنر انتزاعی مثل شعر با سینما رقابت کند. اگر چه در حد و اندازه جایگاه خودش باید بهش پرداخته شود. این اتفاق و این تغییر برنامه های زیادی می طلبد. مسئولان امر باید توجه کنند که در سال چه مقدار سرمایه گذاری های خصوصی و دولتی روی سینما صورت می گیرد، آن وقت دستاورد سینما درمجموع چقدر است؟ این برآورد وقتی انجام شود، درمقایسه با ادبیات، به این نتیجه می رسد که ما در ادبیات شاید دستاورد های بهتری داشته باشیم از لحاظ تبلیغی و ارزشی.

این است که باید مقداری سرمایه گذاری ها را معطوف بکنند به حیطه ادبیات و حمایت از رمان نویسان و شاعران، و، درمجموع، حمایت از نهاد های فرهنگی و انجمن های فرهنگی که در حیطه های مختلف در شهرستان ها داریم. امروز، مهجورترین قشر ما انجمن های فرهنگی اند که در تهران و شهرستان ها داریم، مخصوصاً شهرستان های کوچک، این ها، هیچ کدام، دیده نمی شوند.

خیلی هایشان حتی برای داشتن یک جابرای جلسات دچار مشکل اند. این ها نمی توانند پروژه های بزرگ تری مثل مسابقات شعر و تقدیر از نویسندگان و شاعران را داشته باشند. اگر مسئولان به چنین دیدی برسند، به انجمن هایی که شاعر تربیت می کنند بیشتر توجه می کنند، انجمن های خرد و ریزی که در شهرستان ها وجود دارند و بعد محل پرورش و تربیت شاعرند. وقتی به این ها توجه می کنیم، نتیجه اش را بعد از چند سال در جشنواره ها می بینیم. این نکته درباره شعر خوب و درست است. اما، پیش از هر چیز، باید بدانیم شان و جایگاه شعر در ایران و در زبان فارسی هنر اول است؛ یعنی ما، اگر بخواهیم در حوزه شعر به پیشینه ادبیات فارسی نگاه کنیم، باید به شعر با یک دید گسترده نگاه کنیم و متناسب با جایگاهی که شعر دارد. بله؛ متأسفانه این اتفاق نیفتاده است، چون شعر و درمجموع ادبیات، به نسبت سینما و موسیقی مهجور است.

سینما و موسیقی هنرهای تصویری و شنیداری اند و با عموم ارتباط دارند. و این ارتباط خیلی روشن است، وارد حیطه درآمد و سرمایه گذاری هم می شود، به این دلیل، خواه ناخواه، بیشتر دیده و شنیده می شوند. اما شعر چون هنری نیست که با تبلیغات و میاهو و سرمایه و سرمایه داری گره خورده باشد، این است که به هر حال مهجور است. این مهجوریت البته باید به نحوی در این سال ها جبران می شد.

عیدگاه: بخشی از این مقوله به ماهیت شعر بازمی گردد که از اساس با هنرهایی نظیر موسیقی و سینما تفاوت دارد. موسیقی و سینما نیاز به نمایش می باشد، این رویداد است؛ یعنی تا سینمایی نباشد، فیلمی عرضه نشود، کنسرتی برگزار نشود، به عمل در نمی آید. اما شعر به طور ذاتی نیازمند رویداد و جشنواره نیست، چون عرضه شعر با نشر است. اما، اگر می خواهیم شعر

موفق شود، باید نشر را قوی کنیم. جشنواره می تواند محرک باشد، اما، تازمانی که ما نشر را از این وضعیت اسف بار بیرون نیاوریم، نه کتاب خوانی گسترش پیدا خواهد کرد نه شعر خوانی، و رونق گرفتن شعر معاصر و پژوهش های مربوط به شعر معاصر اتفاق نمی افتد. ما الان با آثاری روبه رو هستیم که تنها ۱۰۰ شماره از آن ها چاپ می شود. وقتی اثری در ۱۰۰ شماره چاپ می شود، اصلاً نباید گفت آن اثر چاپ شده. یک نفر می تواند نشر شعر داشت، وانگهی، ما نمی توانیم همه انتظارات را روی دوش جشنواره ها بگذاریم، جشنواره ها باید به صورت حاشیه ای رونق بخش باشند، و اصل کار نشر است.

- رونق بخشی جشنواره ها به صورت حاشیه ای یعنی چه؟ یا بگذارید این طور بپرسم که ــ اهمیت جشنواره شعر فجر یا چنین جشنواره هایی را باید کجا جست وجو کرد، جشنواره ای که به سال نوزدهم خود رسیده است.

مظفری: هدف اصلی یک نوع دیده شدن همه فعالیت های هنری و ادبی کشور است که در طول یک سال اتفاق می افتد، بهترین آثاری که در این حوزه ها وجود دارند معرفی می شوند، از صاحبان شان تقدیر می شود، و خود همین مسئله خروجی اصلی جشنواره است؛ یعنی شما، اولاً، در طول یک سال، رصد می کنید که چه اتفاقات ادبی ای در حوزه شعر در کشور رخ داده، و، بعد، این افراد به جامعه معرفی می شوند.

خود این افراد تشویق می شوند و به این وسیله مخاطب و خواننده هم متوجه این می شود که به کدام آثار مراجعه کند، کدام شاعران پدیده نوظهور هستند، کدام شاعران در این یک سال کاری اساسی کرده اند یا

پیشرفت کرده اند. نوع ارتباط یک جشنواره ارتباطی است میان مخاطبان و هنرمندانی که در خفا کار می کنند.

عیدگاه: بخشی از رونق شعر خوانی می تواند با جشنواره ها اتفاق بیفتد. اما، چنان که گفتم، همه چیز به دوش جشنواره ها نیست، و نباید باشد، رسانه ها هم مسئولیت هایی دارند و در اطلاع رسانی بی طرفانه در حوزه آثار هنری و ادبی می توانند اثرگذار باشند. اما آنچه ما می بینیم کاملاً سویه دار است. تلویزیون که به طور واضحی در اختیار جریان خاصی است و حاضر نیست بی طرف باشد، گویی خودش قبول کرده که رسانه خانواده برخی از نهاد ها و ادارات است، نه رسانه اقشار مختلف مردم. برای همین است که نگرانی هایش هنری نیست، حزبی است؛ پس فیلم ها و کتاب ها و موسیقی ها و برنامه های مورد پسند همان اقلیت را ترویج می دهد.



وحید عیدگاه طرهبه ای: **موسیقی و سینما نیاز به نمایش دارد، نیازمند رویداد است؛ یعنی، تا سینمایی نباشد، فیلمی عرضه نشود، کنسرتی برگزار نشود، به عمل در نمی آید. اما شعر به طور ذاتی نیازمند رویداد و جشنواره نیست، چون عرضه شعر با نشر است، ما، اگر می خواهیم شعر موفق شود، باید نشر را قوی کنیم**

مثلاً، اینکه میلیون ها نفر دهه ها با آثار ایرج جنتی عطایی و فرید زلاند و چند خواننده پرفرمدار و مشهور زیسته اند برایش اهمیتی ندارد، این ها از حذف می کند و سرود های جهت دار مناسبی فرمایشی بخش می کند.

با چنین وضعی، چگونه انتظار داشته باشیم که فضای فرهنگی و هنری و ادبی پررونقی به وجود بیاید و ترانه و شعر محصولات فرهنگی و هنری مورد پسند خود را در رسانه ها ببینند و به پیوستن به فضای پویا و متکثری که وجود ندارد ترغیب شوند؟ گذشته از رسانه و تبلیغات رسانه ای که وضع بدی دارد، اوضاع اجتماعی و اقتصادی هم به سوی رونق کتاب خوانی و شعر خوانی و شرکت در فعالیت های هنری پیش نمی رود. چگونه می توان از کسی که از برآورده کردن نیازهای اولیه اش درمانده است انتظار داشت کتاب بخرد یا به کنسرت و تئاتر برود؟ نمی توان همه چیز را به دوش جشنواره ها انداخت، مسائل بنیادی تری وجود دارد. باعث شرمساری است که برخی از اهالی فرهنگ توان خریدن کتاب های تخصصی حوزه خود شان را ندارند. وقتی یک محقق پول خرید «شاهنامه» فردوسی یا «لغت نامه» دهخدا را ندارد، شما چه انتظاری دارید که فرهنگ و هنر رونق بگیرد؟ بنابراین، پشت این کم رونقی، مسائل اجتماعی و اقتصادی قرار دارد، و، اگر این مسائل برطرف شود، کم کم می بینیم وضعیت نشر هم رونق پیدا می کند و، وقتی این اتفاق رخ بدهد، شما حد و رونق محصولات فرهنگی و رویداد های هنری خواهیم بود و شعر نیز جایگاه بالاتری خواهد یافت، چنان که از نیمه های دهه هفتاد به بعد، تا چندی، شاهد آن بودیم.

- آیا جشنواره شعر فجر برنامه یا رویکردی برای فرا کشوری شدن این رویداد شعر فارسی و توجه به دیگر کشورهای فارسی زبان، و دریک

کلام، حوزه بین الملل دارد؟

مظفری: چنین صحبتی شد، و ما هم اشاره کردیم که زبان فارسی در بعضی از کشورها نیاز به حمایت ویژه دارد، چون ممکن است دچار مضایق گوناگونی باشد، یا از طرف حکومت هایی که با زبان فارسی سر ستیز دارند یا به دلیل مشکلات اقتصادی.

البته، در سال های قبل، برنامه هایی در حاشیه، در کشورهای فارسی زبان، بوده است، مثل شب شعرهایی ویژه تاجیکستان و افغانستان. اما به همین حد اکتفا می شده است، یا، در دوره هایی، آثار شاعرانی از افغانستان و تاجیکستان جداگانه داوری می شده. اما می دانید که این ها تا هنوز در جریان اصلی داوری قرار نمی گیرند و به نحوی یک جریان حاشیه ای هستند. امیدوارم این مشکل به تدریج حل شود و جشنواره شعر فجر بتواند دید عمومی نسبت به زبان فارسی پیدا کند.

عیدگاه (زاده ۱۳۴۳ در مشهد) نیز دفترهای شعری همچون «من هم یکی از شمایم» (۱۳۹۹) و «دربزیر ابرهای نیارنده» (۱۴۰۰) عرضه کرده و پژوهش هایی نظیر «تلفظ در شعر کهن فارسی، بهره گیری از شعر در شناخت تلفظ های دیرین» (۱۴۰۱) ارائه کرده است.

مظفری (زاده ۱۳۴۴ در آرزوگان، که از افغانستانی های مهاجر است، جز چند دفتر شعر، از جمله «سوگنامه بلخ» (۱۳۷۲) و «شهریاری و شترنایی» (۱۴۰۲)، آثاری پژوهشی از قبیل «پایتخت پری ها، شعر معاصر افغانستان» (۱۳۹۳) نیز انتشار داده است.

